

شاعر رنجور

نگاهی به فیلم «معجزه پروین» اثر محمدرضا ورزی



به آرامی پیش می برد، برای تماشاگر قابل دیدن است.

طراحی صحنه، لباس و چهره پردازی در این فیلم اغراق شده هستند. آکسسوار، تقریبا به اندازه شخصیت های مکمل، در قاب مورد توجه قرار می گیرد و مثلاً در سکانس خوردن آنا، به جای اینکه در خدمت روایت باشد، به یک ابزار تزئینی در اثر تبدیل می شود تا فیلم از لحاظ بصری جذاب تر به نظر برسد. واکاوی زندگی شخصی

پروین اعتصامی، بیش از هر چیزی، برای مخاطب جذاب است؛ اما دقیقاً در همین بخش است که فیلم به ورطه اشتباهات دراماتیک سقوط می کند. ارتباط عاطفی پروین با همسرش، در این فیلم، به نحوی طراحی شده که مشابه با یک فیلم ساده و بی دقت درباره ازدواج ناموفق به نظر می رسد؛ با این تفاوت که یکی از زوجین، مشهور ترین شاعر زن تاریخ معاصر ایران است.

«معجزه پروین» در پرداخت شخصیت هایش هم ناپخته عمل می کند و این موضوع را در سکانس جلسه شعر به وضوح می توان دید. مارال بنی آدم، در نقش پروین اعتصامی، اجرای قابل قبولی دارد و امیرحسین صدیق نیز کنترل شده و موجه به ایفای نقش برادر پروین می پردازد. مابقی هنرپیشه های این اثر جملگی ضعیف هستند.

محمد عنبرسوزا ساختن فیلم درباره چهره های برجسته تاریخ فرهنگ و ادب ایران می تواند انتخابی مهم و دراماتیک برای کارگردانی باشد که با فیلم سازی در فضای تاریخی هم آشنایی دارد. محمدرضا ورزی که مخاطبان او را با سریال «معمای شاه» می شناسند، این بار به سراغ این چهره برجسته و کمتر مورد توجه قرار گرفته ادبیات ایران، تولید کرده است.

«معجزه پروین» فیلم ساده ای است که شاید بهتر بود در قالب یک سریال تلویزیونی کوتاه ساخته و پخش شود. موضوع این اثر، ترکیب بازیگران و ساختار هنری و روایی اش به شکلی نیستند که آن را به فیلمی مهم در سینمای ایران تبدیل کنند. با این همه، «معجزه پروین» موفق می شود که ریتم خود را حفظ کند و با قصه گویی تاریخی که وقایع را

نقد روز

شگفتانه

تکاهی به فیلم «پرویز خان» اثر علی نقفی



پرویز دهداری، یکی از مهم ترین چهره های تاریخ فوتبال ایران، است که به عنوان نماد نظم و استواری، با احترام اهالی فوتبال از طیف های مختلف، روبه رو است. در جشنواره ای که فیلم های هنرمندانه و تماشاگرپسند زیادی در آن حضور ندارند، حضور یک فیلم خوش ساخت و سرحال که در عین حال جسورانه و پرجالش هم باشد، غنیمت محسوب می شود. «پرویزخان» اثری منسجم درباره ماجراهای استعفا ی تعدادی از بازیکنان تیم ملی فوتبال است که روایت های آن هنوز هم می تواند شنیدنی باشد، اما این موضوع، نقطه قوت درخورتوجیهی برای فیلم علی نقفی محسوب نمی شود؛ بلکه «پرویزخان» همه اهمیت و جذابیتش را مدیون پرداخت مناسب و روایت سرحالش است. یک قصه فوتبالی ساده، به تنهایی نمی تواند زمینه ساز تولید یک فیلم خوش ساخت باشد؛ اما تزئین نگاه فیلم ساز و چهره دستی نویسنده و کارگردان در پیشبرد قصه، همه چیز را به سود فیلم تغییر می دهد. جسارت کارگردان «پرویز خان» از چند منظر قابل بررسی است. اول اینکه درباره شخصیت های واقعی، با بی پروایی، قضاوت می کند و مطلقاً عافیت طلبی را در دستورکار خود قرار نمی دهد. دومین انتخاب شجاعانه سازندگان فیلم، مربوط می شود به وقایع سیاسی و اجتماعی دهه شصت که بسیار چشمگیر و تأمل برانگیز است و فیلم را از سطح یک درام ورزشی بسیار فراتر می برد. مهم تر از همه، ورود فیلم به چالش اخلاقی، زیباترین وجه آن را می سازد؛ زیرا فیلم ساز تلاش می کند تا مرز میان پای بندی به اصول و یک دندگی را واکاوی کند. این ویژگی ها به قدری اهمیت دارند که جزئیات تاریخی روایت و میزان منطق بودن آن ها با واقعیت را به حاشیه می راند. سعید پورصمیمی در نقش پرویز دهداری، تلاش زیادی از خود نشان می دهد؛ هرچند اجرایی یک دست و منسجم نیست. شباهت جالب پرسوناژها به چهره افراد واقعی، طراحی صحنه دقیق و فیلم برداری چشم نواز از دیگر نقاط قوت این فیلم است. از سوی دیگر، کشدار شدن پایان بندی اثر، بی دقتی های مکرر در بازسازی مسابقه فوتبال و ضعف بازی برخی هنرپیشه های فرعی از نقاط ضعف آن هستند.
بااین همه، در میان درام های ورزشی تاریخ سینمای ایران، «پرویز خان» اگر بهترین نباشد، بی تردید یکی از بهترین هاست.

الهام ظریفیان

سینما آفریقا. به عنوان یکی از قدیمی ترین سینماهای مشهد در طول برگزاری جشنواره فیلم فجر در مشهد، به طور ویژه برای خبرنگاران و هنرمندان، فیلم های جشنواره را اکران می کرد. به همین دلیل اغلب هنرمندان مشهدی در این روزها به این سینما رفت و آمد داشتند. در روز آخر برگزاری این جشنواره، ۲۲ بهمن ماه، با چند نفر از این هنرمندان گفت وگوهای کوتاهی داشتیم و نظرشان را درباره فیلم های امسال جشنواره فجر به ویژه آثار هنرمندان مشهدی پرسیدیم. همچنین از آن ها خواستیم به بررسی کیفیت برگزاری جشنواره فیلم فجر در مشهد بپردازند و بگویند بیست و یک سال برگزاری مهم ترین رویداد سینمایی کشور در مشهد، چه دستاوردی برای سینمای مشهد به همراه داشته است.

جای خالی تریبون های آزاد مردمی

امیرحجت صفری، فیلم ساز مشهدی و مدرس سینما که تاکنون در تمام جشنواره های قبلی فیلم فجر مشهد حضور داشته است با تأکید بر مغتنم بودن برگزاری این جشنواره در مشهد می گوید: این فرصتی برای همه دست اندازان سینما در استان خراسان رضوی و عموم مردم است که بتوانند آثار سینمای ایران را ببینند. این هنرمند می افزاید: در تمام سال ها استقبال نسبی از جشنواره

فیلم فجر در مشهد وجود داشته است. امسال نیز این اقبال در حد قابل قبولی است. اما نکته مهم این است که فیلم ها باید به درستی معرفی شوند. سال های گذشته جلسه های تحلیل فیلم با قوت بیشتری برگزار می شد. همچنین آثار فیلم سازان مشهدی و خراسانی در مشهد به نمایش درمی آمدند. اما چند سالی است از این فرصت به خوبی استفاده نمی شود. همچنین حضور عوامل فیلم هم زمان با اکران آن ها در جشنواره در مشهد کمترنگ تر شده است. او اضافه می کند: برگزاری تریبون های آزاد مردمی از دیگر بخش های مغفول جشنواره فیلم فجر مشهد در سال های اخیر بوده است. این تریبون ها می توانند فرصتی برای برقراری ارتباط دو طرفه بین هنرمندان و مردم فراهم کنند. امیدوارم در سال های آتی به این ظرفیت ها توجه بیشتری شود. این سینماگر با بیان اینکه بسیاری از آثار سینمای ایران با فیلم های تراز اول جهان برابری دارد تأکید می کند، من به عنوان کسی که تجربه ۴۲ سال معلمی در حوزه سینما و ۵۲ سال سابقه فعالیت در تولید فیلم را دارم این را می گویم. اما متأسفانه چون بسیاری از این واقعیت ها به درستی معرفی نشده اند، خیلی افراد از آن ها اطلاع ندارند و تصور می کنند که فقط



فیلم ساز بی آلاش

نگاهی به فیلم «آپاراتچی» ساخته علی طاهرفر



می گیرد که یک فیلم سینمایی درباره زندگی او بسازد، فیلمی بانام «نوری در تاریکی».

فیلم نامه «آپاراتچی» توسط حسین تراب نژاد به رشته تحریر درآمده است که نویسنده ای چیره دست و خوش قریحه محسوب می شود و مشخصاً در موضوع های مربوط به تاریخ معاصر و به خصوص دهه شصت، متبحر نشان داده است. از همین رو است که تراب نژاد می تواند فیلم نامه را به نحوی پیش ببرد که ریتم حفظ شود و قصه مطابق ساختاری منظم به سرانجام برسد.

نقد روز

برای یک وجب خاک

نگاهی به فیلم «مجنون» ساخته مهدی شاه محمدی



قهرمان اما، اغلب شخصیت های مکمل و فرعی بی رمق و تکراری هستند؛ همسر، برادر و هم زمان شهید زین الدین همگی تکرار شخصیت های مشابه در دیگر فیلم ها و سریال های دفاع مقدس هستند که می توانند به همین شکل جایگزین شوند. عجیب این است که دو نفر از بازیگران همین نقش های مکمل، نامزد سیمیرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل مرد و زن در جشنواره فیلم فجر شده اند. بدتر از

هنرمندان تأثیر مهم ترین رویداد سینمایی را بر سینمای مشهد در آخرین نگاه به گذشته، چشم

نگاه به گذشته، چشم



آثار خارجی کیفیت دارند. صفری از بین آثاری که در جشنواره دیده است، از فیلم «پروین» به کارگردانی محمدرضا ورزی که درباره زندگی شاعر ایرانی پروین اعتصامی است، به عنوان شاخص ترین اثر این جشنواره نام می برد و می گوید: امسال بیشتر آثار از فیلم سازان فیلم اولی از استان های مختلف است که بسیاری از آن ها به عنوان اولین کارگردان اکرانیت خوبی برخوردارند. او همچنین از فیلم «نپتون» ساخته محمدابراهیم غفریان، کارگردان جوان مشهدی، نام می برد و می افزاید: به نظر من این فیلم از نظر فیلم نامه، موضوع و تکنیک به عنوان کار اول کارگردان در حد قابل قبولی بوده است. امیدوارم برای بقیه هنرمندان مشهدی نیز این فرصت فراهم شود که بتوانند تجربیات خود را در جشنواره فیلم فجر ارائه دهند. این مدرس سینما با تأکید بر اینکه نمی توان پیش بینی کرد که آثار هنرمندان مشهدی بتوانند سهمی از سیمیرغ های امسال را به خانه ببرند می گوید: تیم داری و دیدگاه های آن ها در هر سال متفاوت است. اما در سال های گذشته فیلم سازان زیادی از خراسان رضوی رتبه های اول جشنواره را کسب کرده اند.

براندگی سینماها در شهر، نقطه قوت جشنواره امسال

جواد علیزاده، نویسنده، کارگردان و تهیه کننده سینما نیز در حاشیه اکران فیلم «آسمان غرب» در سینما آفریقا به شهرآرا می گوید: تاکنون تنها توانسته ام چند فیلم از جمله «آپاراتچی»، «آسمان غرب» و «نپتون» را در جشنواره امسال ببینم. به نظرم در مجموع نسبت به سال های گذشته جذابیت فیلم ها برای تماشاگر سینما کمتر است. از این میان فیلم «آپاراتچی» با اینکه فیلم اول کارگردان بود و اشتباهاتی نیز داشت فیلم بهتری بود. «نپتون» نیز در سلیقه شخصی من نیست. ولی به عنوان تجربه اول کارگردان، فیلم بدی نبود. دست کم قصه خود را بدون لکت تعریف کرد.

او با اشاره به برگزاری جشنواره فیلم فجر در مشهد تصریح می کند: فکر می کنم متولیان نهایت تلاش خود را کرده اند. تعداد سینماهای اختصاص داده شده به جشنواره در مقایسه با سال های گذشته افزایش داشته است. همچنین این سینماها همه جای مشهد و حتی طر قیه برانکده شده اند و این از نقاط قوت جشنواره فجر امسال در مشهد است. در سال های گذشته فقط دو یا سه سینما شامل سینماهای هویزه، آفریقا و سیمیرغ فیلم های جشنواره را اکران می کردند. این سینماگر می افزاید: با این حال کاستی هایی نیز وجود دارد از جمله اینکه تمام فیلم های جشنواره در مشهد به نمایش در نمی آیند. این البته متوجه مسئولان مشهد نیست. چون در بسیاری از فیلم ها، خود تهیه کننده ها هستند که فیلم هایشان را در شهرستان ها ارائه نمی کنند، مانند فیلم «صبحانه با زرافه ها» که روی فروش آن در شهرستان ها حساب باز کرده اند.



نقد روز

«نپتون» به عنوان یکی از معدود

غافل گیری های چهل ودومین دوره از جشنواره فیلم فجر، اثری خوش ساخت و قابل دیدن است که با مضمونی نسبتاً تازه و کارگردانی متواضعانه اش، نظر گروهی از مردم و منتقدان را به خود جلب کرده است. در فقر نسبی مضامین تازه و در میان خیل عظیم فیلم سازان مدعی که تلاش می کنند به هر نحو ممکن، تسلط خود بر قاب بندی را به رخ بکشند، «نپتون» فیلمی آرام و موقر است که حرف تازه اش را، با فرمی ساده و بی تکلف، به مخاطبانی که طیف وسیعی از مردم و به خصوص نسل جوان را شامل می شوند، عرضه می کند. سوژه ای فیلم، فارغ از روابط بین افراد و شاخ و برگ های اضافی، یک سوژه روان شناختی و اجتماعی است که مشخصاً بر مسئله جنسیت و البته اخلاق در خانواده توجه دارد. نفس همین موضوع،

خود را به رخ کشیده بودند. بازی های آرام و به دور از اغراق این دو بازیگر که از خط بیرون نمی زند و در شأن اثری با این ویژگی ها باقی می ماند، از مهم ترین نقاط قوت «نپتون» و نشان دهنده چهره دوستی کارگردان در بازی گرفتن بازیگران است. در مقابل، بازی هنرپیشه های ایفاگر نقش های مکمل ناامیدکننده است و از حد تیپ فراتر نمی رود. بزرگ ترین مشکل «نپتون» اما شلوغی بیش از حد آن است. تعداد پرسوناژها در این اثر بی جهت زیاد شده است و این موضوع باعث حواس پرتی روایت می شود. شنیدن چندباره پیام های صوتی و حضور زوج فرعی قصه، مسیر فیلم نامه را با دست اندازهایی روبه رو می کند که البته هر بار فیلم موفق می شود به جاده اصلی بازگردد.



نشان دهنده تبحر نویسنده فیلم نامه است که توانسته مضامین ذاتاً پرحاشیه و چالش برانگیز مورد نظرش را، بدون شعار و قضاوت های عجولانه، به سینما تبدیل کند. اجرای فیلم نامه و کیفیت بازی گرفتن از هنرپیشه ها نیز پذیرفتنی و امیدوارکننده به نظر می رسد. نقش های اصلی این اثر را آرمین رحیمیان و بهدخت ولیان ایفا می کنند که هر دو اجرایی تمیز دارند و قبلاً هم در آثاری مثل «شبی که ماه کامل شد» و «پیلوت» ظرفیت های بازیگری



دیدن منهای دنبال کردن

نگاهی به فیلم «تابستان همان سال» به کارگردانی محمود کلاری

باقی می ماند. به نظر می رسد که کلاری اساسا بنا را بر روایت یک داستان فربه نگذاشته و ترجیح داده است که با این فیلم، هنر خودش را در قاب بندی و متمرکز شدن بر روی جزئیات به نمایش بگذارد. نریشن های این اثر تقریبا بی فایده به نظر می رسند و شخصیت شاپوری نیز یک تیپ تمام و کمال از آب درآمده است. در مقابل شخصیت اصلی پرداخت مناسبی دارد و وقتی با بازی خوب علی شادمان همراه می شود، می تواند به نقطه قوت اثر مبدل شود. بازی رایان سرلک در این فیلم هم چشم نواز و روان است. با این همه، مخاطب سخت می تواند بفهمد که اصلا «تابستان همان سال» درباره چیست و چرا روایت فیلمی با این ظرفیت هنری بالا، تا این حد تحریف است؛ در حالی که حتی نریشن ها هم کاری از پیش نمی برند و نتیجه گیری اثر، ابتر می ماند.



شدن واقعیت، تنها نکته دندان گیر قصه «تابستان همان سال» است که به نرمی روایت می شود و پیش نمی رود. بیننده، در هنگام تماشای این اثر، هر لحظه منتظر یک اتفاق است تا مطمئن شود که اثر بر روی ریل افتاده است و می تواند مسیر اصلی خود را ادامه دهد. «تابستان همان سال» اما، اساسا فیلم جزئیات است و قصه اش در حد ظرایف هنری و نقاط دراماتیک تجربه گراییانه

عنبر سوزا اثر کنجکاوی برانگیز فیلم بردار با سابقه سینمای ایران، یک فیلم معمولی است که وجه بصری در خورتوجهی دارد. «تابستان همان سال» در روایت بسیار کند و بی اتفاق است، اما از لحاظ کیفیت اجرایی، استاندارد بالایی دارد. تجربه ثابت کرده است که فیلم برداران سینما، اغلب می توانند کارگردان هایی باشند که استاندارد های حداقلی اجرای سینمایی را رعایت می کنند. این موضوع درباره محمود کلاری هم صدق می کند؛ فیلم بردار شهیری که توانسته اثری بسیار چشم نواز، اما راکد، را روانه چهل و دومین جشنواره فیلم فجر کند. قصه این فیلم در دهه «می گذرد و به روابط خانوادگی دو خواهر و یک برادر می پردازد که همراه با خانواده هایشان در خانه پدری زندگی می کنند یا به آنجا رفت و آمد دارند. یک تهمت ناروا و پرملا

روز برگزاری بیست و یکمین جشنواره فیلم فجر در مشهد، بررسی می کنند

نیم انداز برای آینده

به انقلابی در فیلم نامه نویسی نیاز داریم



مجتبی انوریان، فیلم نامه نویس و پژوهشگر سینما نیز با اشاره به اینکه امسال موفق شده است بعضی کارهای جشنواره را ببیند، می گوید: مهم ترین مسئله ای که در این جشنواره به چشم می آید تعداد زیاد کارهای فیلم اولی است. این موضوع از یک نظر خوب است؛ چرا که نوید این را می دهد که راه پای فیلم سازان فیلم اولی در سینمای ایران بیشتر باز شود. اما برخلاف سال های قبل تقابل کارگردان های فیلم اولی را با فیلم سازان باتجربه تر کمتر شاهد بودیم. شاید این موضوع به بعضی سیاست گذاری های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بازگردد. باید این سیاست ها را بررسی کرد که چرا باعث شده اند فیلم سازان قدیمی کمتر حضور پیدا کنند، چرا که ما به این نیاز داریم که تجربه یک ساله همه اقشار فیلم سازان را در جشنواره بررسی کنیم. او در ارزیابی خود از فیلم اولی های جشنواره امسال می افزاید: از آنجایی که متأسفانه سیاست های پشتیبان کننده و تقویت فیلم نامه در ایران وجود ندارد. در این فیلم ها مشکل همیشگی فیلم نامه را داریم و حتی این مشکل بر کارگردانی نیز تأثیر می گذارد. از این رو شاید بتوان گفت به انقلابی در فیلم نامه نویسی نیاز داریم. انوریان تأکید می کند: نبود مشاوران خوب در کنار کارگردان از دیگر ضعف های فیلم اولی ها محسوب می شود. این موضوع تأثیر خود را در دکوپاژ فیلم برداری، تدوین و دیگر بخش های فیلم سازی گذاشته است. با توجه به سختی هایی که امروز فیلم سازی حتی برای ساخت فیلم های کوتاه دارد، به نظرم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید به سمتی برود که افراد مستعد در شهرستان ها که تاکنون فرصت فیلم سازی برایشان فراهم نشده است برای ساخت فیلم شناسایی کند تا به این ترتیب فیلم سازی به شهرستان ها هم راه یابد. این پژوهشگر سینما بر این نظر است که کیفیت برگزاری بیست و یکمین جشنواره فیلم فجر در مشهد در مقایسه با سال های پیشین از نظر پشتیبانی و مالی و حضور کارشناسان زده، افت داشته است؛ متأسفانه این جشنواره در مشهد صرفا به نمایش فیلم محدود شده و غفلت از فرصت هایی مانند دعوت از کارشناسان و منتقدان مطرح و حضور فیلم سازان در کنار اکران فیلم هایشان، موجب شده است جشنواره فیلم فجر در مشهد دستاورد چندانی برای سینمای مشهد به همراه نداشته باشد. تشکیل یک گروه کارشناسی برای بررسی جشنواره در سال های گذشته تاکنون و انتقاد تحلیل های آن ها به فیلم سازان جوان می تواند موجب افزایش کیفیت آثار سینمای مشهد شود. او همچنین به نبود بخش زیادی از مخاطبان اصلی سینما از جمله اهالی تئاتر در جشنواره اشاره می کند و می گوید: تئاتر با مخاطبان خاص سینما هستند که می توانند از این فرصت برای افزایش کیفیت کار خود استفاده کنند.

مسئولان به تجارب سال های گذشته مراجعه کنند



مهدی آ بر فیلم ساز و مستند ساز مشهدی نیز که امسال مسئولیت مستند سازی جشنواره فیلم فجر در مشهد را بر عهده دارد، می گوید: تنها توانسته است چند فیلم از جمله «حلزون»، «آیا راتچی» و «شور عاشقی» را ببیند. او می گوید، طبق آنچه از صحبت های برخی تماشاگر ها شنیدم، تا اینجا فیلم ها به جز یکی دو مورد، اغلب مورد توجه قرار نگرفته اند. در بیشتر سال های جشنواره فیلم هایی که پارانته های دولتی ساخته شده بودند، معمولاً فیلم های خوبی نبوده اند. اما برخی فیلم ها مانند «معجزه پروین» نیز از اقبال بیشتری در بین مخاطبان برخوردار بودند. این هنرمند تأکید می کند: متأسفانه بسیاری از همکاران من در فرایند فیلم سازی کمتر از مشاوران استفاده می کنند. ممکن است آن ها تصور کنند اگر مشورت کنند سطح و اندازه کارشان پایین می آید. در حالی که باید مشورت کنند. سازمان های تهیه کننده ای مانند فارابی یا اوج نیز چون اصرار بر این دارند که جشنواره با آمار بالای فیلم برگزار شود، به هر کسی که از راه می رسد بود چه ساخت فیلم می دهند. آ بر تصریح می کند: در حالی که سینما و هنر لاج بازی ندارد. هنر در هر رشته ای باید به هنرمند سپرده شود. وقتی صرفا برای اینکه بگوییم هنرمندان در جشنواره حضور پیدا کردند به هر فیلمی مجوز حضور در جشنواره بدیم، نتیجه این می شود که شاهد رضای بی کیفیتی در جشنواره هستیم. فیلمی خوب است که وقتی مخاطب از سالن سینما بیرون بیاید همچنان ذهن او را درگیر کند. اکنون بسیاری از تماشاگران از سالن سینما که بیرون می آیند حتی اسم فیلم را به یاد نمی آورند و این خیلی بد است. این فیلم ساز برگزاری جشنواره فیلم فجر در مشهد نسبت به سال های گذشته رانیز ضعیف تر توصیف می کند و می گوید: به نظر می رسد برنامه ریزی و مدیریت درستی نشده است. با اینکه امسال فیلم های زیادی در سینماهای مختلف مشهد در جشنواره به نمایش در آمدند، به هم ریختگی زیادی را در جشنواره شاهد بودیم. آ بر تأکید می کند: مسئولان باید به تجارب سال های گذشته برگزاری جشنواره در مشهد مراجعه کنند و صرفا به نمایش فیلم اتکا نکنند. در گذشته فیلم ها را باید به صورت فیزیکی از تهران می آوردند. الان با اینکه این زحمت از مسئولان کم شده است، اما جشنواره خیلی سرد برگزار می شود. در همین سینما سال های گذشته جای سوزن انداختن نبود، ولی اکنون استقبال بسیار کم است. شاید یکی از دلایل آن این است که مخاطبان فضا را صمیمی نمی بینند.



عاشقانه آرام

نگاهی به فیلم «آغوش باز» ساخته بهروز شعبی



معروف شکل می گیرد که زندگی خانوادگی او به بن بست رسیده است، مدیر برنامه اش هم درگیر یک ماجرای عاطفی جان کاه است و در این میان، یک شخصیت سردرگم نیز حضور دارد که وجوه عاطفی شخصیت خود را، پشت چهره جدی و مصممش، پنهان می کند. بهترین شکل گرفته است؛ ترکیبی از سه عاشقانه یک زوج سال خورده است که علاوه بر جذاب بودن، بسیار دراماتیک و شوق انگیز است. به هم رسیدن این قصه های کوچک در

در جشنواره ای که بسیاری از آثارش شبیه به یکدیگر هستند، فیلم جدید بهروز شعبی، برخلاف انتظاری که فیلم های قبلی اش ایجاد کرده بودند، نه مضمون دینی دارد و نه شباهتی به آثار اجتماعی، شعبی، پس از «روز بلا» و «بدون قرار قبلی»، این بار با یک عاشقانه ساده و بی ادعا به جشنواره فیلم فجر آمده است. پی رنگ «آغوش باز» هیچ نکته مثبت خاصی ندارد و بیشتر به فیلم های تلویزیونی شباهت دارد؛ اما پرداخت درخورتوجه و دقت در مفصل بندی های فیلم نامه، از یک ایده ساده، فیلمی جذاب و اثرگذار می سازد. این فیلم که یک ملودرام عاشقانه باوقار محسوب می شود، اثری است که بر مبنای خرده پی رنگ شکل گرفته است؛ ترکیبی از سه قصه عاطفی موازی که هم زمان پیش می روند و در نقطه ای باشکو به هم می رسند، «آغوش باز» بر مبنای زندگی خواننده ای

سکانس های پایانی بهترین اتفاق این فیلم را رقم می زند و درست در آخرین پلان هاست که شعبی نشان می دهد از حال و هوای جوانی فاصله گرفته و به فیلم سازی پخته تبدیل شده است. همان جایی که، با خوشبختن داری، از نمایش چهره یک شخصیت گمشده، پر بهیز می کند و اثر را به دام حسو و پرحرفی نمی اندازد. محسن کیایی در این فیلم هم حضوری یک دست دارد و شبنم گودرزی بازی باورپذیری را به نمایش می گذارد. افزون بر این دو نفر، حضور زوج احترام پرومند و مهدی هاشمی نیز در فیلم کار می کند. در مقابل، گلاره عباسی یک تیپ تمام و کمال را جلوی دوربین می برد و حضور تبلیغاتی حسن معجونی نیز چندان به کار اثر نمی آید. بزرگ ترین سؤال اخلاقی این فیلم، حضور حامد کمیلی در نقش پررنگ و مهم خواننده است که اساسا نسبیتی با توانایی های چهره و جنس صدای این بازیگر ندارد.

تریلر تکراری

نگاهی به فیلم «قلب رقه» اثر ابراهیم تقیانی پور



اثر سجاد پهلون زاده، از آب درآمده است. داستان «قلب رقه»، نه تنها در انتخاب مضمون، طراحی قصه و ترکیب و چینش شخصیت هایش، بلکه حتی در شیوه فیلم برداری و پرداخت موقعیت های دراماتیک نیز با «سقوط» شباهت، یا به عبارت بهتر انطباق دارد. به طور مشخص، سکانس پایانی «قلب رقه» که در جاده شکل می گیرد و حتی فرجام شخصیت ها به شکلی طراحی شده اند که پلان های

درنگ

سینمایی سیاسی و این راه بی نهایت!

به بهانه اکران فیلم «صبح اعدام» اثر علی تقفی



غلامرضا بنی اسدی

جامعه ای که در عالم سیاست کلی فراز و فرود دارد، نیازش به سینمایی سیاسی هم حیاتی است. ما نیاز داریم که فرازها و فرودها و شخصیت های مؤثر بر فراز و فرود ها را بهتر بشناسیم. نیاز داریم به این شناخت، عمق ببخشیم. اما... این نقطه چین را می شود با این کلمات پُر کرد که اما میان وضعیت موجود تا آنچه مطلوب یک جامعه سیاست فهم است، فاصله فراوان داریم. آیا سینما در این حوزه احساس مسئولیت نمی کند؟ آیا به آنچه تاکنون ساخته است راضی است؟ جوابش با خودشان. من اما به عنوان یک شهروند که دغدغه تبیین شرایط و تاریخ را دارد، این اثر را راضی کننده نمی دانم. با مطالعه بیگانه نیستم. فراز و فرودهای سیاسی ایران معاصر را تا حدودی می دانم. چهره ای مؤثر در هر مرحله را باز هم تا حدودی می شناسم. بر همین اساس هم به سینمای سیاسی علاقه مندم، اما اگر بخواهم به رضایت مندی نمره ای پای کارها بگذارم، به قبولی نخواهد رسید. چه می شود که «صبح اعدام» به دو شخصیت اثرگذار چون طیب حاج رضایی و حاج اسماعیل رضایی چنان پیرا دز که بیننده با زوایای شخصیتی ونحوه تحول آنان آشنا شود. چه می شود که یک نفر از منتهی الیه شاه دوستی تا منتهی الیه انقلابی گری را در بازه کوتاهی چنان می پیماید که ضرب المثل «راه صد ساله را یک شبه پیمود» مثل می شود. من این فیلم را دیدم، اما نه تنها ارزش افزوده ای بر این نداشت که شاهد فراموشی بسیاری از مؤلفه های شخصیتی این دو بزرگوار و به ویژه طیب حاج رضایی بودم. من پسر نوجوانم را هم با خود برده بودم تا یکی از چهره های مؤثر تاریخ انقلاب را بر پرده نقره ای ببیند و عیار طلایی جوانمردی اش را بفهمد، اما فیلم برای من و پسر، این مصرع حافظ بود: «از هر طرف که رفتم جز وحشتم نیفزود» و حق است که اهالی سینما را به مصرع دوم همین بیت انداز دهیم که: «زنهار از این بیابان وین راه بی نهایت».

ویژه بیست و یکمین جشنواره فیلم فجر در مشهد

